

بررسی و مقایسه نگرش و آگاهی دانشجویان ورزشکار و غیرورزشکار در مورد المپیزه^۱

❖ دکتر بهمن میرزایی؛ استادیار دانشگاه گیلان*
❖❖ دکتر فرزاد غفوری؛ استادیار دانشگاه علامه طباطبایی
❖❖❖ محمد عزیزی؛ دانشجوی دکتری فیزیولوژی ورزش دانشگاه گیلان
❖❖❖ افشار هنرور؛ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر عبارت است از بررسی و مقایسه نگرش و آگاهی دانشجویان ورزشکار و غیرورزشکار در مورد بازی‌های المپیک. به همین منظور، پرسش‌نامه محقق‌ساخته‌ای بین ۲۰۰۰ دانشجو (۱۰۰۶ مرد و ۹۹۴ زن) دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی سراسر کشور، به تفکیک پنج منطقه شمال، جنوب، غرب، شرق، و مرکز توزیع و جمع‌آوری شد. نتایج آزمون‌های آماری خی دو، کالموگراف اسمیرنف و t-student نشان داد که دانشجویان ورزشکار، در مقایسه با دانشجویان غیرورزشکار، مطالعه بیشتری درباره بازی‌های المپیک در قالب جزوه یا کتاب داشتند. اغلب، دانشجویان بین بازی‌های المپیک و سایر پدیده‌های اجتماعی تفکیک قابل نبودند. همچنین، ۸۰٫۶ درصد از دانشجویان ورزشکار و ۶۸٫۸ درصد از دانشجویان غیرورزشکار بازی‌های المپیک را در دوستی و اتحاد ملت‌ها و تعمیق روابط مؤثر دانسته‌اند. فقط ۲۸٫۲ درصد از دانشجویان ورزشکار و ۱۷٫۱ درصد از دانشجویان غیرورزشکار به درستی از زمان برگزاری المپیک مدرن آگاهی داشتند، اما ۶۹٫۸ درصد از دانشجویان ورزشکار و ۵۴٫۷ درصد از دانشجویان غیرورزشکار شهر محل برگزاری آخرین دوره بازی‌های المپیک را می‌دانستند. نتایج پژوهش نشان داد اگرچه در اکثر موارد میزان نگرش و آگاهی دانشجویان ورزشکار از گروه غیرورزشکار بالاتر بود، اما به‌جز در برخی موارد تفاوت معناداری بین دو گروه در نگرش و آگاهی نسبت به المپیک وجود نداشت. این اطلاعات نشان می‌دهد که دانشگاه‌های ما حتی برای دانشجویان ورزشکار (رشته تربیت بدنی) نمی‌توانند اطلاعات مربوط به المپیزم و فلسفه آن را تأمین یا حتی تکمیل نمایند. با توجه به نتایج تحقیق، دانشجویان آگاهی کافی در مورد المپیک و مبانی آن ندارند، لذا پیشنهاد می‌شود کمیته ملی المپیک وارد فعالیت مشترک با دانشگاه‌ها شود و اقدام به انتشار کتاب، نوار، لوح فشرده، پوستر، بروشور، جزوه، و منابع آموزشی و توزیع در میان دانشجویان نماید.

واژگان کلیدی: المپیک، دانشجویان ورزشکار، دانشجویان غیرورزشکار، نگرش و آگاهی

* E.mail: bmirzai2000@yahoo.com

۱- این پژوهش با حمایت مالی کمیته ملی المپیک انجام شده است.

مقدمه

المپیزم عبارت است از فلسفه‌ای که به مدد آن جسم و اراده و فکر و زندگی انسان به صورتی متعادل و هماهنگ تعالی می‌یابند. المپیزم با درآمیختن ورزش و فرهنگ و آموزش درصدد است انسان را به طریقی که مبتنی بر تلاش و تعالی ارزش‌های آموزش و پاسداری از مبانی اخلاقی جسمانی است رهنمون سازد (۴). المپیزم مورد نظر کوبرتن به تمام مردم صرف‌نظر از شغل، سن، نژاد، ملیت یا عقیده اشاره دارد. ویژگی عمومی آن اجتماع همه افرادی است که در راه اهداف انسانی تلاش می‌کنند. لکن معتقد است المپیزم نوعی بردباری است که هیچ تفاوت ایدئولوژیکی نمی‌تواند آن را برهم زند (۲۱). آشنایی با سیاست و سیاستمداران و دست کشیدن از ایده زندگی ساده نظامی، کوبرتن را بر آن داشت که پس از مطالعات بسیار، زندگی خود را فدای وظیفه دشوار اصلاحات آموزشی در کشور خود کند (۶).

آموزش المپیک آموزشی جهانی است که به منظور توسعه کل وجود آدمی تلاش می‌کند (۲۱). این نوع آموزش در تلاش است که با استفاده از اصول و قواعد کلی و آرمان مربوط به المپیک بر عده کثیری از افراد جوان تأثیر بگذارد (۱۹). المپیزم را گاهی مکتب فلسفی (۱۰)، مذهب (۲۱)، و ابزار قوی تربیتی می‌دانند (۸). تفکر المپیزم با مفاهیمی از قبیل مشارکت همه‌جانبه، فراهم آوردن زمینه‌های تربیت، و مفاهیم انسانی شناخته می‌شود. این تفکر از زمان بروز و ظهور آن، دستخوش تغییرات ظاهری شده، اما هرگز اساس آن روحیه ورزشکاری، تبادل فرهنگی، تفاهم بین‌المللی، برتری‌جویی (۸)، صلح، عدالت، دوستی، و... که توسعه دوستی و تفاهم بین جهانیان است تغییر

نمی‌یابد (۱۲).

امروزه هرچند بسیاری از مردم می‌دانند جنبش المپیک ایدئولوژی جهانی با اهداف مترقی و مقاصد عالی انسانی است، اما مبانی فکری آن هنوز بر تعداد بی‌شماری از آن‌ها پوشیده مانده است. این ناآگاهی نه تنها در بین عوام بلکه در میان افراد فرهیخته و خواص نیز گسترده شده است (۱۷، ۱۸). مطالعات انجام شده نشان می‌دهند در دانشگاه‌های کشور درصد بالایی از دانشجویان، نسبت به اصول اساسی المپیزم از آگاهی پایینی برخوردارند (۱). با دانشجویان می‌توان تفکر المپیک را به خانه‌ها برد و مردم را به دلیل عشق به آرمان‌های المپیک، نه به دلیل جاذبه‌های ظاهری آن، به ورزش تشویق کرد. گسترش تفکر المپیک و آشنایی قشر تحصیل کرده جامعه با آن، به روشنگری سایر اقشار جامعه نیز خواهد انجامید.

فرهنگ، برنامه‌های آموزش المپیک را پر محتوا می‌کند و ورزش‌های مختلف حاوی پیام‌ها و نمادهای تربیتی متعددی‌اند. ارزش‌های فرهنگی که المپیزم ترویج می‌کند تنها به ارزش‌های بنیادی مانند تساوی، آزادی، دموکراسی، جوانمردی، و عدالت نیستند، بلکه در هر منطقه جغرافیایی نقش‌های ویژه‌ای ایفا می‌کند. مفهوم این ادعا بر اساس گزارش کمیسیون ۲۰۰۰ IOC در یکصد و دهمین جلسه این سازمان، آموزش بین فرهنگی است. این آموزش نه به معنی غرب‌گرایی، اروپایی شدن و مدرن‌گرایی کلیشه‌ای، بلکه به مفهوم توجه به فرهنگ‌های مختلف آموزش ویژه هر فرهنگ است (۱۲).

از سوی دیگر، آگاهی بیشتر در مورد المپیک بدون ارائه نمونه‌های عملی و روشن و گنجاندن در برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها و حتی مدارس

روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی بود و به طریق میدانی اجرا شد. ابتدا، بر اساس هدف‌های پژوهش، پرسش‌نامه محقق‌ساخته‌ای طراحی و تدوین شد. این پرسش‌نامه شامل دو بخش جهت استخراج اطلاعات مربوط به ویژگی‌های توصیفی و پرسش‌های مرتبط با هدف‌های پژوهش بود. تعداد سؤالات پرسش‌نامه قبل از تعیین روایی و اعتبار، ۳۲ و پس از آن ۲۵ سؤال بود. پرسش‌نامه برای اظهار نظر، به ۱۱ نفر (۹) از متخصصان حوزه تربیت بدنی و غیرتربیت‌بدنی که مطالعاتی در زمینه المپیک داشتند ارسال شد. پس از اعمال نظر متخصصان، دوباره از آنان درباره اصلاحات اعمال شده پیگیری شد و سرانجام، پرسش‌نامه نهایی استخراج گردید. در مرحله بعد، پرسش‌نامه بین ۳۵ نفر از نمونه‌های تحقیق توزیع، تکمیل و جمع‌آوری شد (مطالعه مقدماتی، آلفا کرونباخ ۰/۸۷). در این مرحله، با استفاده از روش‌های آماری، روایی، و اعتبار پرسش‌نامه تعیین و پس از انجام اصلاحات و تغییرات ضروری پرسش‌نامه نهایی آماده ارسال به تمام نمونه‌های پژوهش گردید.

در مرحله بعدی ۲۰۰۰ پرسش‌نامه بین دانشجویان ورزشکار و غیرورزشکار در مناطقی که در نمونه‌گیری معرفی شده‌اند توزیع گردید. در این پژوهش منظور از دانشجویان ورزشکار، نمونه‌هایی بودند که در رشته تربیت بدنی در حال تحصیل بودند. با این تعریف، بر اساس اطلاعات حاصل از پژوهش ۱۲/۴ درصد از نمونه‌ها ورزشکار و بقیه آن‌ها در ردیف غیرورزشکار قرار گرفتند. نحوه عمل به این ترتیب بود که همکاران طرح، در دانشگاه‌های مختلف حضور می‌یافتند و پرسش‌نامه‌ها را به دانشجویان علاقه‌مند که مایل به همکاری بودند، جهت تکمیل ارائه می‌کردند.

نمی‌تواند اثربخش باشد (۲۱). در انگلستان، برای نیل به اهداف آموزش المپیک، از برگزاری مسابقات هنری، نقاشی، شعر، و موسیقی پیرامون المپیک، نمایشگاه و گالری‌های ویژه موضوع المپیک و استفاده از ایستگاه رادیویی ویژه با موضوع المپیک برای اشاعه آن کمک می‌گیرند (۲۱). بدیهی است کمیته‌های ملی المپیک، به دلیل مشغله‌های زیاد نمی‌توانند به تنهایی به این اهداف دست یابند. بنابراین، با بررسی میزان نگرش و آگاهی‌های دانشجویان از المپیک، روش‌های رفع مشکل و توسعه جنبش المپیک در دانشگاه‌ها و سپس در بین اقشار مختلف جامعه می‌توان تفکر المپیک را در میان دانشجویان و جامعه گسترش داد. بنابراین، ضرورت این پژوهش از آن جهت است که با شناسایی نیازها و برنامه‌ریزی آموزش المپیک در میان دانشجویان این مفهوم فلسفی عمیق را در لایه‌های مختلف جامعه گسترش می‌دهد.

روش‌شناسی

جامعه آماری این پژوهش را تمامی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی سراسر کشور تشکیل دادند. از بین جامعه پژوهش، تعداد ۲۰۰۰ نفر به شکل زیر انتخاب و پرسش‌نامه‌ها بین آنان توزیع و جمع‌آوری شد. در مرحله اول، پنج منطقه شمال، جنوب، غرب، شرق و مرکز کشور تفکیک و از بین دانشگاه‌های هر منطقه، یک شهر به روش تصادفی ساده (قرعه‌کشی) انتخاب شد. بدین ترتیب در مرکز شهرهای اراک و تهران، در غرب شهر تبریز، در شرق مشهد، در جنوب اهواز و شیراز، و در شمال دانشگاه‌های گیلان و مازندران برگزیده شدند.

جدول ۲. رشته تحصیلی نمونه‌های آماری پژوهش

درصد	فراوانی	رشته تحصیلی
۱۲٫۴	۲۴۸	تربیت بدنی (ورزشکار)
۸۷٫۶	۱۷۵۲	غیر تربیت بدنی (غیرورزشکار)
۱۰۰	۲۰۰۰	جمع

جدول ۳. تعداد نمونه‌های پژوهش به تفکیک شهرستان محل تحصیل

درصد	فراوانی	شهر
۷٫۵	۱۵۰	اراک
۷٫۵	۱۵۰	اهواز
۱۰	۲۰۰	پابلسر
۷٫۵	۱۵۰	تبریز
۳۰	۶۰۰	تهران
۱۰	۲۰۰	رشت
۷٫۵	۱۵۰	سنندج
۲۰	۴۰۰	مشهد
۱۰۰	۲۰۰۰	جمع

نتایج پژوهش نشان داد که اغلب دانشجویان (۶۱٫۵ درصد) در مورد بازی‌های المپیک هیچ کتابی را مطالعه نکرده‌اند؛ در مقایسه دانشجویان ورزشکار (تربیت بدنی) با غیرورزشکار (غیر تربیت بدنی)، ورزشکاران مطالعه بیشتری را در مورد بازی‌های المپیک داشتند و تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده گردید ($p < ۰٫۰۵$) (شکل ۱).

نمونه‌ها، پرسش‌نامه‌ها را تکمیل و همان‌جا تحویل عوامل توزیع و جمع‌آوری می‌دادند.

روش‌های آماری

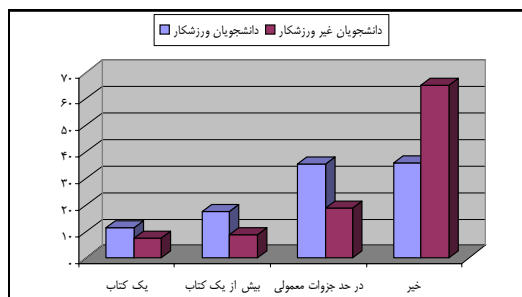
در بخش آمار توصیفی، ویژگی‌های فردی (رشته تحصیلی، جنس، میانگین، انحراف استاندارد، فراوانی تجمعی، درصدی، ...) بررسی و محاسبه شد. در بخش آمار استنباطی نیز با استفاده از روش معذور خی دو و آزمون‌های کالموگراف اسمیرنف برای تعیین طبیعی بودن توزیع داده‌ها و انتخاب روش آماری مناسب (پارامتریک و غیر پارامتریک) استفاده شد. برای هر کدام از پرسش‌های مورد نظر پژوهش، آزمون‌های معناداری انجام و در هر بخش توضیح داده شد.

یافته‌ها

ویژگی‌های فردی آزمودنی‌ها بر اساس جنس (جدول ۱)، رشته تحصیلی (جدول ۲)، و شهرستان محل تحصیل (جدول ۳) ارائه شده است.

جدول ۱. فراوانی آزمودنی‌ها به تفکیک جنسیت

جنس	فراوانی	درصد از کل
مرد	۱۰۰۶	۵۰٫۳
زن	۹۹۴	۴۹٫۷
جمع	۲۰۰۰	۱۰۰

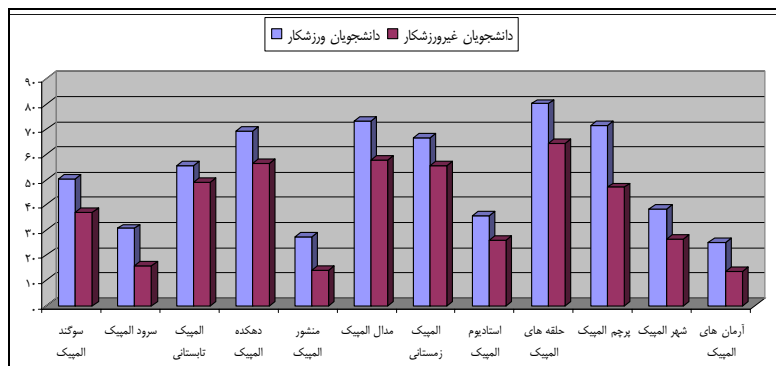


شکل ۱. مطالعه کتاب یا جزوه درباره بازی‌های المپیک

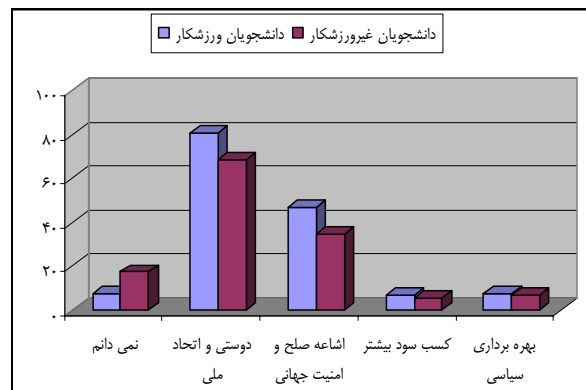
می‌دانستند، و بین نظرات دانشجویان تفاوت معناداری مشاهده نشد (شکل ۳). همچنین، در مورد اینکه آیا بازی‌های المپیک مستقل از سایر پدیده‌های اجتماعی‌اند یا نه، ۴۰٫۷ درصد از ورزشکاران و ۳۶٫۶ درصد از غیرورزشکاران اظهار کردند همه پدیده‌های اجتماعی با یکدیگر ارتباط دارند، ضمن اینکه تفاوت معناداری بین نظرات دو گروه مشاهده شد ($p < ۰٫۰۵$) (شکل ۴).

همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که اگرچه آشنایی ورزشکاران با واژه‌های المپیک بیشتر از غیرورزشکاران بود، اما برخلاف انتظار از لحاظ آماری تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد (شکل ۲).

یافته‌های ما نشان داد که بیشتر دانشجویان ورزشکار (۸۰٫۶) و غیرورزشکار (۶۸٫۸) آرمان بازی‌های المپیک را دوستی و اتحاد ملل



شکل ۲. میزان آشنا بودن با واژه‌های المپیک

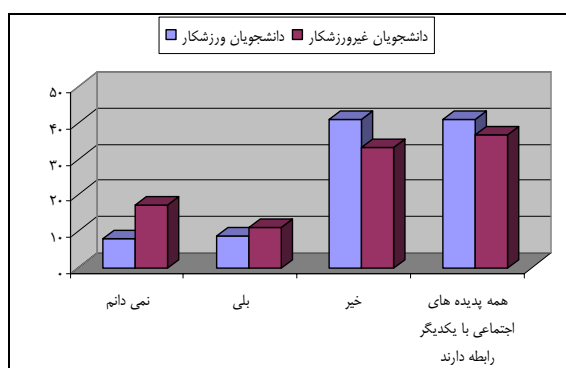


شکل ۳. آرمان بازی‌های المپیک

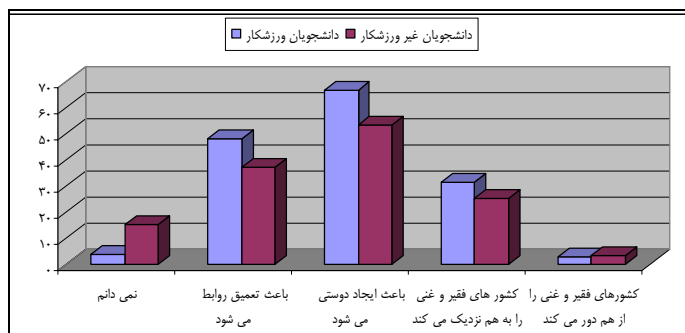
المپیک باستان را مراسم مذهبی و اجتماعی ذکر کردند. تفاوت معناداری در پاسخ به این سؤال در بین ورزشکاران با غیرورزشکاران مشاهده شد ($p < 0.05$) (شکل ۶). همچنین، ۵۹٫۳ درصد از ورزشکاران و ۶۸٫۲ درصد از غیرورزشکاران در مورد سال برگزاری اولین دوره بازی‌های المپیک مدرن اظهار بی‌اطلاعی کردند (شکل ۷).

همچنین، بیشتر دانشجویان اظهار داشتند که بازی‌های المپیک بر اقتصاد کشورها تأثیر دارد و بازی‌های المپیک موجب رونق اقتصادی می‌شود (شکل ۵).

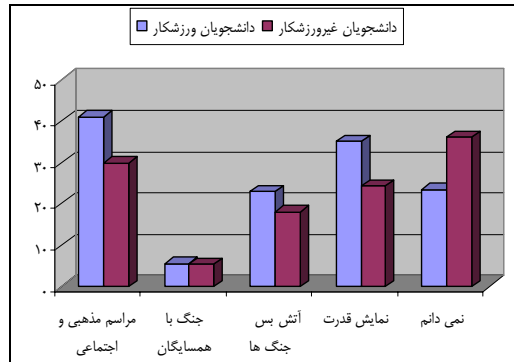
نتایج پژوهش نشان داد که ۴۱٫۱ درصد از دانشجویان ورزشکار و ۳۰ درصد از غیرورزشکاران، هدف از برگزاری بازی‌های



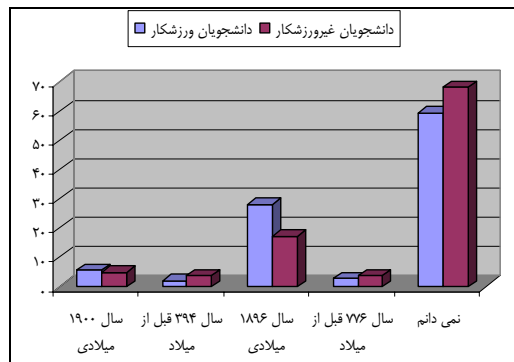
شکل ۴. مستقل بودن بازی‌های المپیک از دیگر پدیده‌های اجتماعی



شکل ۵. تأثیر بازی‌های المپیک بر روابط بین کشورها



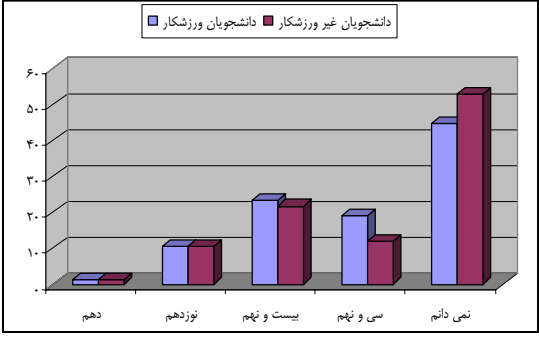
شکل ۶. هدف برگزاری بازی‌های المپیک باستان



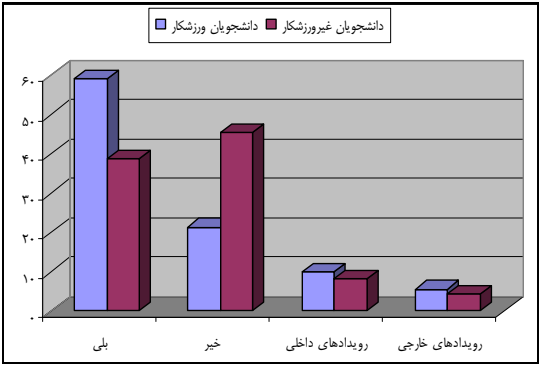
شکل ۷. سال برگزاری اولین دوره بازی‌های المپیک مدرن

ورزشکاران و ۵۲٫۹ درصد از غیرورزشکاران از مقام ایران در آخرین دوره بازی‌های المپیک اطلاع نداشتند، و تفاوت معناداری در بین دو گروه در پاسخ به این سؤال مشاهده نشد (شکل ۸). همچنین، ۴۱٫۵ درصد از ورزشکاران و ۵۶٫۴ درصد از غیرورزشکاران هیچ‌گونه آگاهی‌ای در مورد بازی‌های المپیک ورزشی دانشجویان داخل کشور نداشتند. ضمناً تفاوت معناداری بین دو گروه در پاسخ به این سؤال مشاهده نشد.

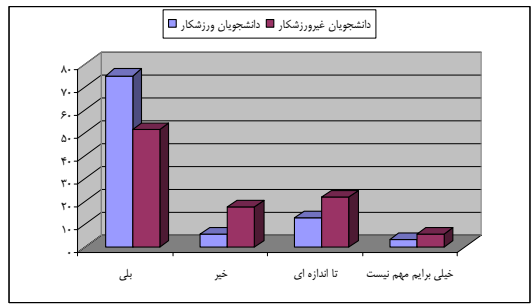
نتایج پژوهش در مورد سطح آگاهی دانشجویان در مورد شهر برگزاری آخرین دوره بازی‌های المپیک نشان داد که ۶۹٫۸ درصد از ورزشکاران و ۵۴٫۷ درصد از غیرورزشکاران به درستی آتن را انتخاب کردند و فقط ۹٫۳ درصد از ورزشکاران و ۱۹٫۷ درصد از غیرورزشکاران در جواب این پرسش اظهار بی‌اطلاعی کردند. در پاسخ به این سؤال بین نظرات دانشجویان تفاوت معناداری مشاهده نشد. جالب اینکه ۴۴٫۸ درصد از



شکل ۸. مقام ایران در آخرین دوره بازی‌های المپیک



شکل ۹. آیا علاقه‌مند به همکاری داوطلبانه در برگزاری رویدادهای المپیک هستید؟



شکل ۱۰. علاقه‌مند به شرکت مستقیم در بازی‌های المپیک به عنوان تماشاچی یا ورزشکار

می‌دهد که ورزشکاران (دانشجویان تربیت‌بدنی) به دلیل قرارگیری در محیط‌های ورزشی یا گذراندن دروسی مانند تاریخ تربیت‌بدنی و اصول و مبانی تربیت‌بدنی علاقه بیشتری به مطالعه در مورد المپیک از خود نشان دادند و اطلاعات بیشتری در این زمینه نسبت به غیرورزشکاران دارند.

همچنین، در مورد میزان آشنایی دانشجویان با واژه‌های المپیک، نتایج پژوهش نشان داد که اکثر دانشجویان با واژه‌هایی مانند حلقه‌های المپیک، مدال المپیک، و پرچم المپیک آشنایی دارند، اما فقط ۱۴٫۲ درصد از غیرورزشکاران و ۲۷٫۴ درصد از ورزشکاران با واژه منشور المپیک آشنایی داشتند. اگرچه آشنایی ورزشکاران با واژه‌های المپیک بیشتر از غیرورزشکاران بود، اما برخلاف انتظار از لحاظ آماری تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد.

نتایج پژوهش نشان داد که دانشجویان بین بازی‌های المپیک و سایر پدیده‌های اجتماعی تفکیک قایل نبودند. در واقع، فقط ۸٫۹ درصد از ورزشکاران و ۱۱٫۲ درصد از غیرورزشکاران معتقد به جدایی المپیک از پدیده‌های اجتماعی دیگر بودند، و تفاوت معناداری در پاسخ به این پرسش در بین دو گروه مشاهده شد. هر چند در بخش دیگری، ۸۰٫۶ درصد از ورزشکاران و ۶۸٫۸ درصد از غیرورزشکاران بازی‌های المپیک را در دوستی و اتحاد ملت‌ها و تعمیق روابط مؤثر دانسته‌اند. نتایج به‌دست آمده با تفکر اولیه کوبرتن (۶) و سایر پژوهشگران (۷، ۱۲، ۲۱) همخوانی دارد؛ و نشان می‌دهد که آرمان بازی‌های المپیک صلح و دوستی و اتحاد ملل مختلف است.

در بخش دیگری از پرسش‌های مربوط به اقتصاد و المپیک، دانشجویان از ورزش به عنوان

همان‌طور که انتظار می‌رفت بیشتر دانشجویان، علاقه‌مند به همکاری داوطلبانه در برگزاری رویدادهای داخلی و خارجی المپیک بودند. با توجه به نتایج به‌دست آمده تفاوت معناداری بین علاقه به همکاری بین ورزشکاران (۵۹٫۳) با غیرورزشکاران (۳۸٫۹) مشاهده شد ($p < ۰٫۰۵$) (شکل ۹). از سوی دیگر، ۷۵ درصد از ورزشکاران و ۵۱٫۴ درصد از غیرورزشکاران علاقه‌مند به شرکت مستقیم در بازی‌های المپیک به‌عنوان تماشاچی یا ورزشکار بودند، در پاسخ به این سؤال تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد (شکل ۱۰).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از برنامه‌های آموزش المپیک، علاوه بر آموزش جنبه‌های مختلف ورزش در زندگی روزمره، رهنمون ساختن جوانان برای یافتن روش زندگی با آرمان‌ها و ارزش‌های المپیک عنوان شده است. این برنامه‌ها اغلب باید شامل فرایند تربیتی باشد که جمع فعالیت‌های مربوط به چالاکی ورزشی و اجتماعی، و ارزش‌ها نیز در قالب ورزش و پیوند بین حال و گذشته ارائه گردد (۲۲). نتایج پژوهش کید نشان داد یکی از روش‌های افزایش اطلاعات در مورد المپیک خواندن کتاب، جزوه و بروشورهاست، که بدون هرگونه بازخورد است. با توجه به نظرات کید این روش بیشتر اطلاع‌رسانی است تا توسعه‌ای (۱۶).

هائی نیز اعتقاد داشت که با مطالعه کتاب می‌توان عقاید المپیک را به نسل جوان منتقل کرد (۱۲). نتایج پژوهش حاضر نشان داد که ورزشکاران مطالعه بیشتری درباره بازی‌های المپیک در قالب جزوه یا کتاب نسبت به غیرورزشکاران داشتند، که این تفاوت از لحاظ آماری معنادار بود. این نشان

بازار توسعه اقتصادی نام برده‌اند، و در حدود ۴۷/۲ درصد از ورزشکاران و ۴۲/۱ درصد از غیرورزشکاران معتقد بودند که بازی‌های المپیک موجب رونق اقتصادی می‌شود، و تفاوت معناداری بین دو گروه در این رابطه مشاهده شد.

این موضوع را قبلاً کارل دیم تأیید کرده است (۱۰). موضوع رابطه ورزش با پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی تقریباً مورد قبول همه متخصصان است (۱۵). بعضی پژوهشگران بعد اقتصادی را خطری برای آرمان‌های المپیک قلمداد می‌کنند.

اوری براندرج از مخالفان وارد کردن ورزش حرفه‌ای به بازی‌های المپیک بود و منطق وی برای این طرز تفکر، تحت الشعاع قرار گرفتن اهداف انسانی المپیک است (۲۳).

در مورد هدف از بازی‌های المپیک نتایج پژوهش نشان داد که ۲۳/۴ درصد از ورزشکاران و ۳۶/۲ درصد از غیرورزشکاران از اهداف برگزاری بازی‌های المپیک باستان اظهار بی‌اطلاعی کردند، و جالب اینکه ۳۵/۱ درصد از ورزشکاران و ۲۴/۷ درصد از غیرورزشکاران هدف بازی‌های المپیک را نمایش قدرت ملت‌ها می‌دانستند. علاوه بر این، ۵۹/۳ درصد از ورزشکاران و ۶۸/۲ درصد از غیرورزشکاران از زمان برگزاری بازی‌های المپیک مدرن هیچ‌گونه اطلاعاتی نداشتند، و فقط ۲۸/۲ درصد از ورزشکاران و ۱۷/۱ درصد از غیرورزشکاران به درستی از آن آگاهی داشتند و سال ۱۸۹۶ میلادی را سال شروع برگزاری بازی‌های المپیک مدرن انتخاب کردند.

این نتایج با نتایج پژوهش رحمانی‌نیا (۱۳۷۸) و خبیری و همکاران (۱۳۸۰) همخوانی دارد (۱، ۲). لذا، می‌توان حکم به ناآگاهی قشر تحصیل‌کرده

کشورمان درباره بازی‌های المپیک داد. این نتایج بر لزوم توسعه آموزش المپیک از طرق گوناگون تأکید دارد. چنین کاری در کشور چین از طریق وبسایت‌ها و انتشار کتاب‌های مختلف صورت می‌گیرد (۱۲). هرچند فرایند تبدیل بازی‌های المپیک به ابزاری اقتصادی، کماکان سرعت قابل توجهی دارد (۱۵)، در بسیاری از کشورها، به این نتیجه رسیده‌اند که آموزش المپیک ابزاری تربیتی نیز هست (۲۱).

نتایج پژوهش نشان داد در مورد آخرین دوره بازی‌های المپیک، نمونه‌های پژوهش اطلاعات دقیق‌تری داشتند. ۶۹/۸ درصد از ورزشکاران و ۵۴/۷ درصد از غیرورزشکاران شهر محل برگزاری آخرین دوره بازی‌های المپیک را می‌دانستند، و آتن را شهر محل برگزاری آخرین دوره بازی‌های المپیک انتخاب کردند. تفاوت معناداری بین دو گروه در پاسخ به این پرسش مشاهده نشد. این درحالی است که یافته‌های ما نشان داد ۴۴/۸ درصد از ورزشکاران و ۵۲/۹ درصد از غیرورزشکاران از جایگاه ایران در آخرین دوره بازی‌های المپیک بی‌اطلاع بودند. تقریباً همین تعداد (۴۱/۵ درصد از ورزشکاران و ۵۶/۴ درصد از غیرورزشکاران) درباره زمان و مکان بازی‌های المپیک دانشجویان داخل اطلاعاتی نداشتند. در هر دو مورد تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد. اطلاع داشتن دانشجویان از محل برگزاری آخرین دوره بازی‌های المپیک مدرن، بر نقش رسانه‌ها در پوشش خبر و افزایش آگاهی مردم نسبت به بازی‌ها تأکید دارد (۱۷، ۱۸)، هر چند نقش رسانه‌ها در تبلیغات و منافع مالی پررنگ‌تر می‌نماید (۳).

علی‌رغم نداشتن اطلاعات و آگاهی کافی در مورد المپیک، نتایج پژوهش نشان داد که ۵۹/۳

دیدگاه متفاوتی کسب کنند.

بازهم به نظر می‌رسد، با وجود اینکه میزان آگاهی دانشجویان نسبت به دهه‌های گذشته چندان تغییر نکرده و تفاوت آن‌چنانی با پژوهش‌های انجام شده قبلی در کشور (۱، ۲) ندارد، اما نگرش آنان تغییر قابل توجهی داشته است. دلیل این امر را باید در نقش انکارناپذیر وسایل ارتباط جمعی، همچنین فرایند جهانی‌سازی جستجو کرد (۵، ۱۱، ۱۴). جوانان از جمله دانشجویان اینک در سطح گسترده‌ای به اطلاعات جهانی دسترسی دارند و با توجه به وسعت موضوع المپیک که به طور مثال نشان المپیک، پس از صلیب سرخ، شناخته شده‌ترین نشانه جهانی است (۲۰)، قرار گرفتن اطلاعات بیشتر در اختیار این گروه، کاملاً طبیعی می‌نماید. شاید به همین دلیل است که اغلب کشورها به‌ویژه ایالات متحده (۲۳)، انگلستان (۲۱)، چین (۱۲)، یونان (۲۲)، و مالزی (۱۳) مدت‌هاست برنامه آموزش المپیک را در مراکز آموزشی خود آغاز کرده‌اند. دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی - ورزشی لازم است در برنامه‌های درسی، همچنین سیاست‌های خود، موضوعات مربوط به افزایش آگاهی و آموزش المپیک را بگنجانند.

با توجه به اینکه نتایج تحقیق حاضر نشان داد دانشجویان آگاهی کافی در مورد المپیک و مبانی آن ندارند، لذا پیشنهاد می‌شود که کمیته ملی المپیک وارد فعالیت مشترک با دانشگاه‌ها شود و اقدام به انتشار کتاب، نوار، لوح فشرده، پوستر، بروشور، جزوه و منابع آموزشی و توزیع در میان دانشجویان نماید. همچنین، برنامه‌های آموزشی دوره‌ای برای آشناسازی دانشجویان در دانشگاه‌های سراسر کشور با آرمان‌ها و اهداف المپیزم طراحی و به طور منظم اجرا گردد. علاوه بر

درصد از ورزشکاران و ۳۸٫۹ درصد از غیرورزشکاران علاقه‌مند به همکاری داوطلبانه در برگزاری رویدادهای المپیک بودند. همچنین، اطلاعات حاصل از علاقه‌مندی دانشجویان (۷۵ درصد از ورزشکاران و ۵۱٫۴ درصد از غیرورزشکاران) جهت شرکت مستقیم در بازی‌های المپیک به عنوان تماشاچی یا ورزشکار، نشان‌دهنده علاقه قشر دانشجو به این رویداد بین‌المللی است. مسئولیت اصلی، متوجه سیستم آموزشی ماست که باید این گروه را از آگاهی‌های ضروری بهره‌مند سازد (۱). دستیابی به این هدف، بدون گنجاندن مفاهیم فوق در برنامه‌های آموزش مدارس ناممکن است (۲۱).

شایان ذکر است که دانشجویان در زمینه روح بازی‌های المپیک، مبانی اخلاق، صلح و دوستی و تلاش برای پیروزی عقاید جالب و قابل قبولی داشتند و تقریباً بر همه مفاهیم انسانی بازی‌های المپیک تأکید داشتند. این نتایج با یافته‌های خیرری و همکاران (۱۳۸۰) و مولر (۱۹۹۸) و مسینگ (۱۹۹۹) همخوانی دارد و نشان‌دهنده درک عمیق این قشر فرهیخته از مفاهیم المپیزم است (۱۷، ۱۸).

نتایج پژوهش نشان داد که اگرچه در اکثر موارد میزان نگرش و آگاهی ورزشکاران از غیرورزشکاران بالاتر بود، اما به‌جز در برخی موارد تفاوت معناداری بین دو گروه در نگرش و آگاهی نسبت به المپیک وجود نداشت. این اطلاعات نشان می‌دهند دانشگاه‌های ما حتی برای دانشجویان ورزشکار (رشته تربیت بدنی) نمی‌تواند اطلاعات مربوط به المپیزم و فلسفه آن را تأمین یا حتی تکمیل نماید. البته وقتی متخصصان تربیت بدنی کشورمان اطلاعات کمی از مبانی بازی‌های المپیک داشته باشند (۱)، دیگر نمی‌توان انتظار داشت که دانشجویان

این، برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی و حتی ایستگاه رادیویی اختصاصی که در برخی کشورها با موفقیت اجرا شده است برای امر آموزش المپیک راه‌اندازی شود. امید است با اجرای این برنامه‌ها نگرش و آگاهی دانشجویان نسبت به المپیک و مبانی آن افزایش یابد.

منابع

۱. خبیری، محمد، فرهاد رحمانی‌نیا و محمد پوریا، ۱۳۸۰، «بررسی میزان آشنایی صاحب‌نظران تربیت بدنی با جنبه‌های تاریخی و اجتماعی بازی‌های المپیک». فصل‌نامه المپیک. شماره ۱ و ۲ بهار و تابستان.
۲. رحمانی‌نیا، فرهاد، ۱۳۷۸، «دانشجویان ایران و نهضت المپیک». نشریه حرکت، سال اول شماره ۱، تابستان.
۳. سجادی، سید نصرالله، ۱۳۷۸، «تحلیلی بر نقش رسانه‌های جمعی در بازی‌های المپیک طی قرن بیستم». نشریه حرکت، سال اول، شماره ۳، زمستان.
۴. عزیزی، محمد، ۱۳۷۵، «مبانی فلسفی المپیسم: المپیسم و هنر»، نشریه المپیک، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان.
۵. غفوری، فرزاد، حسین رحمان سرشت، هاشم کوزه‌چیان، محمد احسانی، ۱۳۸۲، «بررسی دیدگاه متخصصین تربیت بدنی پیرامون گرایش مردم به ورزش‌های همگانی و قهرمانی». نشریه حرکت، شماره ۱۶.
۶. مجتهدی، حسین، ۱۳۸۴، «مراسم پیروزی یا توزیع مدال از آتن ۱۸۹۶ تا آتن ۲۰۰۴»، المپیک، سال سیزدهم، شماره ۲.
7. Arnold Peter, J. (1997) Sport, Ethics and Education. Cassell, London
8. Binder, Deanna L. (2004) Teaching Olympism in schools: Olympic Education as a focus on values education. Centre d'Estudis Olímpics (UAB).
9. Costa, Carla (2005). The Statute and Future of Sport Management- a Delphi study. Journal of Sport Management, April.
10. Chatziefstathiou, D. (2005). The Changing Nature of the Ideology of Olympism in the Modern Olympic Era. Doctoral Dissertation. Loughborough University, UK.
11. Ghafouri, Farzad. Farhad Rahmani-Nia, Hossein Rahman Seresht, Hashem Koozechian, Mohammad Ehsani, Afshar Honarvar (2004). "Effects of Globalization on Sport Strategies (Global Culture, Global Trends, Local Action)". Paper presented at the 9th Congress of European Committee for Sport History (CESH), Crotone, Italy, 23-26 Sep.
12. Hai, Ren, (1999). "China and the Olympic Movement." In James Riordan and Robin Jones, eds, Sport and Physical Education in China. NY: E and FN Spon, 202-13.
13. Horton, P.A., (1998). "Olympism in the Asia-Pacific Region: A Question of Naivety or Pragmatism, A paper submitted for publication in the Culture", Sport, Society. Managment Technology University, Singapore.
14. Houlihan, B., (1994). "Homogenization, Americanization, and Creolization of Sport: Varieties of Globalization". Sociology of Sport Journal, 11, pp. 356-375.
15. Kasimati, Evangelia (2003). "Economic Aspects and the Summer Olympics: a Review of Related Research". International Journal of Tourism Research. 5, 433-444.
16. Kidd, B., (1996). "Taking the Rhetoric Seriously: Proposals for Olympic Education". Quest, 48, pp. 82-92.
17. Messing, Ulrica. (1999). A sport Policy for the Twenty-first Century, Ministry of Industry, Employment and communication. Sweden.
18. Müller, N., (1998). The IOA Sessions of the International Olympic Academy: 1961-1998. International Olympic Academy.
19. Nissiotis Nicolaos (1980). "The role of NOCs in the dissemination of the Olympic principles", Olympic Review, No. 147-148 Jan, Feb.
20. Oswald, Denis (1999). "The fundamental Principles of Olympism", Olympic Review. Aug- sep PP. 39-41.
21. Parry, Jim (2003). "Olympic Education in practice", Proceedings of the 3rd National Congress on Olympism and Sports Culture, University of Ulusal, Bursa, Turkey, May Keynote paper, pp. 164-74.

22. Politis, K. (2002). "Olympic Education Programme: a Pioneer Educational Programme". International Olympic Academy. Report on the IOA's special sessions and seminars, Ancient Olympia.
23. Wamsley, K.B., (2004). Laying Olympism to Rest. In: J. BALE and M.K. CHRISTENSEN, eds, Post-Olympism? Questioning Sport in the Twentieth Century. Oxford: Berg, pp. 231-242.